

Pursuing in the Azrbaijans' people understanding and concept of Constitution

Abbas Ghadimi Gheidari*

Zahra Kazemi**

Abstract

Constitutional Revolution changed the tradition toward the presence of the general public in power affairs and political battles. Therefore, the level of people's understanding of the Constitutional concept is significant for understanding various aspects of the Constitutional Revolution. In this study, the proceed of the virtual evolution of the Constitution among the general public and inferiors has been investigated in Azerbaijan in the Constitution era using original and authentic references based on the content analysis method. The main question is what conception of Constitution existed among the general public of Azerbaijan. Due to the unfamiliarity of Iran society with the Constitution, this concept was strange to the majority of people, and there was no clear illustration of its nature and contents. For this reason, the majority influenced by constitutional activists perceived the Constitution based on their needs and not its real nature. They found it linked to the social welfare, comfort, justice, and the end of the cruelty of government organizations (agencies). The general public wanted to improve their economic and social conditions and thought they could achieve it via establishing a Constitutional

* Associate Professor of history, University of Tabriz, Tabriz, Iran (Corresponding Author),
ghadimi@tabrizu.ac.ir

** Postdoctoral researcher of history, Tabriz university, Tabriz, Iran, z.kazemi@tabrizu.ac.ir

Date received: 27/06/2021, Date of acceptance: 01/11/2021



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

government. The point is that this lexicon became equivalent to seeking justice and law because there was hope for passing law for better conditions.

Keywords: Constitutional Revolution, Azerbaijan, General public, Justice, Law, Constitutional meaning.

جست‌وجو در معنا و تلقی مردم آذربایجان از مشروطه^۱

عباس قدیمی قیداری*

زهرا کاظمی**

چکیده

انقلاب مشروطه، سنت متفاوت حضور عامه مردم در مناسبات قدرت و پیکارهای سیاسی به جای گذاشت. بنابراین بررسی میزان فهم و درک آنان از مفهوم مشروطه در شناخت بیش‌تر زوایای فکری انقلاب مشروطه شایان توجه است. این مقاله با استفاده از منابع اصیل و با اتکا به روش تحلیل محتوا درصدد برآمده است سیر تحول معنایی مشروطه در میان عامه مردم و فرودستان در آذربایجان عصر مشروطه را مورد بررسی قرار دهد. سوال اصلی این است چه دریافتی از مشروطه در منظومه فکری عامه مردم آذربایجان وجود داشت. به دلیل ناآشنایی جامعه ایران با مشروطه این مفهوم در میان توده‌ها ناشناخته بود و تصویر روشنی از ماهیت و مضمون آن وجود نداشت. بدین لحاظ توده‌ها، مشروطه را نه در معنای واقعی آن بلکه مطابق با نیازهای خود درک کردند و آن را در پیوند با آسایش و رفاه عمومی و عدالت و پایان ظلم و ستم کارگزاران دستگاه دولتی یافتند. عامه مردم در پی بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود بودند و تحقق این امر را مرتبط با استقرار حکومت مشروطه می‌دانستند. نکته قابل تأمل اینکه این واژه در ادامه معادل عدالت‌خواهی و قانون‌خواهی قرار گرفت؛ چراکه امید می‌رفت با تصویب قوانین زندگیشان سامان بهتری پیدا کنند.

* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)، ghadimi@tabrizu.ac.ir

** پژوهش‌گر فرا دکتری تاریخ، استاد مدعو دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، z.kazemi@tabrizu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰



کلیدواژه‌ها: انقلاب مشروطه، آذربایجان، عامه مردم، معنای مشروطه، عدالت، قانون.

۱. مقدمه

انقلاب مشروطه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای سیاسی ایران مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ایرانی را در آستانه قرن بیستم تحت‌تاثیر قرار داد. یکی از اساسی‌ترین دگرگونی‌ها در مناسبات قدرت، حضور توده‌ها در عرصه‌های مختلف و تاثیرگذاری آن‌ها بر روند حوادث بود. در این میان آذربایجان و تبریز به عنوان اصلی‌ترین کانون مشروطه‌خواهی ایرانیان، در پیشبرد گفتمان مشروطه‌خواهی نقش مهم و تاریخی داشته است. به همین جهت نقش گروه‌ها و طبقات مختلف مردم از روشنفکران، علما، بازرگانان و توده‌های فرودست و تلقی و برداشت آنان از مشروطه و مشروطه‌خواهی در شناخت این رویداد بزرگ تاریخ ایران بسیار مهم است. در تاریخ مشروطه آذربایجان رگه‌های پرننگی از حضور عامه مردم در کنار دیگر طبقات، در تحولات مشروطه‌خواهی از نخستین بست نشینی‌ها، تحصن‌ها و در بسته شدن بازارها و حضور در پیکارهای سیاسی دیده می‌شود. فرودستانی که توانسته بودند در همراهی با موج برخاسته به تدریج وارد عرصه سیاست و قدرت شوند و فرصت‌یابند صدای خود را به قدرتمندان برسانند. علی‌رغم شرکت توده‌ها در حرکت مشروطه‌خواهی، واژه مشروطه در میان آنان چندان شناخته شده نبود و یا دست کم برداشت آنان برداشت دیگری بود. بیشتر منابع بر این مساله که درک روشنی از معنای مشروطه حتی در بین سران مشروطه و گروه‌های مختلف مشروطه‌خواه وجود نداشت و هرکدام تلاش می‌کردند بر اساس دریافت‌های خود، معنا و مفهومی از مشروطه را به جامعه انتقال دهند، متفق‌القولند. درحقیقت واژه مشروطه در مسیر خود با مفاهیم متعددی گره‌خورد و ابهام معنایی یافت. با عنایت به این مساله، این پژوهش درصدد است با اتکا به منابع اصیلی چون روزنامه‌ها، خاطرات و نامه‌های عصر مشروطه به تجزیه و تحلیل این موضوع بپردازد که توده‌هایی که با ایمان به وعده رهبران مشروطه به حرکت مشروطه‌خواهی پیوستند و به حمایت از آن پرداختند تا چه اندازه از معنی واژه مشروطه آگاه بودند و چه تلقی از مشروطه در میان توده‌ها وجود داشت و چه متغیرهای با مشروطه‌خواهی آنان پیوند خورده بود؟ فرض اصلی این پژوهش بر این است که علی‌رغم این واقعیت که سطح فکر و دریافت عمومی مردم آذربایجان از مشروطه و مشروطیت به

جستجو در معنا و تلقی مردم ... (عباس قدیمی قیداری و زهرا کاظمی) ۲۰۱

نسبت سایر اهالی ایالات و ولایات ایران در سطح بالاتری قرار می‌گرفت، آنچه از مشروطه در نزد عامه مردم معنا شد، نه معنای واقعی آن بلکه بیشتر مطابق با نیازهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آنان بود.

در این مقاله، نویسندگان کوشیده‌اند با روش تحلیل محتوا مفهوم مشروطه در بین توده‌های فرودست در آذربایجان را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهند. تحلیل محتوا روش تحقیقی برای یافتن نتایج از طریق تعیین عینی و منتظم ویژگی‌های مشخص پیام‌ها (متون) است. این ویژگی‌ها می‌تواند آشکار (عین متن) یا مستتر (استنتاجات از متن یا توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی دهنده یا گیرنده پیام) باشد. پرسش‌های کلاسیک در تحلیل محتوا از نظر صاحب‌نظران این است که محقق باید در بررسی تحلیل محتوایی یک متن به دنبال کیستی گوینده، چگونگی، مقصد مد نظر گوینده، چرائی و تأثیر گفتار و نوشتار باشد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که این موضوع پیشینه تحقیق قابل توجهی ندارد و می‌توان گفت که در حوزه پژوهش‌های تاریخی به ویژه مشروطه‌شناسی مغفول مانده است. البته در حوزه تاریخ مشروطه مطالعات بنیادین و متنوع در خصوص انقلاب مشروطیت و به فراخور بحث تأملاتی درباره چیستی مشروطه در برخی پژوهش‌ها صورت گرفته است اما بازخوانی مفهوم مشروطه در بین توده‌های فرودست و عامه مردم در آذربایجان عصر مشروطه موضوعی است که نویسندگان این مقاله برای نخستین بار به بررسی آن می‌پردازند.

۲. مفهوم عامه مردم

مفهوم عامه مردم از ریشه لاتینی (plebs یا plebis) به معنای مردم عامی و مردم پائین مرتبت و عوام، گرفته شده است. این واژه در روم باستان در برابر نجبا (patricians) به کار می‌رفته است و معرف طبقات پائینی از جامعه بود که برای احقاق حقوق مدنی و سیاسی خود علیه آنان به مبارزه برخاستند. اما در قرن نوزدهم این مفهوم در آثار سوسیالیست‌ها در جهت توصیف ویژگی‌های کارگرانی که علیه بورژوازی قیام کردند، مورد استفاده قرار می‌گرفت. امروزه این واژه به ندرت به کار می‌رود و در صورت کاربرد، زمینه‌ای مشحون از ایدئولوژی می‌یابد (بیرو ۱۳۶۶: ۲۶۸). با این وجود عامه مردم به ساخت

اجتماعی بی‌نظمی اشاره دارد که اعضای آن از اشتراک منافع برخوردارند که از طریق ارتباط و برخورد غیرشخصی پدید آمده است. عامه مردم، به عنوان آسیب‌پذیرترین قشر جامعه، به عنوان صاحبان اصلی قدرتی که در دست حکومت‌ها است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند و نقش تعیین‌کننده‌ای در سه عرصه سیاست، فرهنگ و اقتصاد دارند نقشی که از قدرت بی‌بدیل عامه در اجتماع حکایت دارد (گولد ۱۳۷۶: ۶۰۱؛ پورعزت ۱۳۸۷: ۳۲۴ و ۳۸۴).

عامه مردم را به دو گروه، توده مردم و گروه‌های اجتماعی تقسیم کرده‌اند. در این معنی جماعت یا توده مردم، جمع وسیع و با تجانس افراد معمولاً ناخشنود و پرخاشگر بی‌سازمان یا شبه گروهی تلقی می‌گردد که در نتیجه مجاورت مکانی بین عده‌ای و در ارتباط با محرک واحدی شکل می‌گیرند. در مقابل گروه اجتماعی، به مجموعه‌ای از افراد اطلاق می‌شود که دارای کنش اجتماعی بوده و هدف یا اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند. بنابراین می‌توان عامه مردم را ترکیبی از افراد با هیجانات سریع و زودگذر و در عین حال بی‌شکل و نامنظم و نیز گروهی متشکل با اهداف احساسات مشترک دانست که در کنار هم وظیفه ارتقای سطح رفاه و معیشت خود و جامعه‌شان را بر عهده دارند (آقا بخشی ۱۳۸۳: ۳۳۸؛ حجاریان و پورعزت ۱۳۹۰: ۲۴-۲۵). قابل ذکر است که به دلیل تحدید زمانی و مکانی موضوع پژوهش و گستردگی مفهوم عامه مردم و ارتباط آن با معقوله زمان، در این پژوهش مفهوم عامه مردم متناسب با محدوده زمانی پژوهش و در معنی توده مردم در نظر گرفته شده است و از ورود نگرش‌های جدید و اشکال مختلف آن پرهیز شده است.

۳. مفهوم مشروطه

مشروطه، واژه‌ای مدرن و جدیدی بود که در اواخر عصر قاجار به‌طور گسترده وارد واژگان سیاسی ایرانیان شد. با این حال تعریف مشروطیت همراه با پیچیدگی‌های است که مستلزم بررسی می‌باشد. مشروطه را می‌توان از دو بعد لغوی و اصطلاحی و مشروطه به‌عنوان نظام سیاسی بررسی کرد. مشروطه را مونث مشروط و به معنی لازم گردانیده شده و پیمان‌کرده شده، تعلیق کرده شده چیزی به چیز دیگر شرط شده و همچنین به معنای مقید در مقابل مطلق دانسته‌اند (دهخدا ۱۳۴۵: ۲۰۹۴۶-۲۰۹۴۷: ۳۸۸؛ islamAnsiklopedisi). هم‌چنین واژه مشروطیت معادلی برای اصطلاح فرانسوی Constitution, constitutionne است

که این لفظ در فرانسه از کلمه لاتین *Contitutio* گرفته شده که به معنای اول دلالت بر عمل تشکیل و مجموعه سازی دارد و به معنای دوم منظور از آن قانون اساسی یک ملت است که شامل مجموعه‌ای از مقررات قضایی و قواعد می‌شود که بایستی حاکم و ناظر بر کل روابط میان حکومت و مردم باشد که تحت آن زندگی می‌کنند. به عبارتی دیگر مشروطیت عبارت است از: اعتقاد به لزوم حاکمیت قانون اساسی و نظام حکومتی که در آن، قدرت حاکمه از طریق قانون اساسی محدود می‌گردد و با رویه‌های تعدیل و توازن، از تمرکز قدرت جلوگیری به عمل می‌آید تا حقوق اساسی افراد و گروه‌ها حفظ شود و به همین دلیل، در برابر مفهوم حکومت استبدادی و دیکتاتوری قرار دارد (آقابخشی ۱۳۸۳: ۱۳۰؛ آشوری، ۱۳۷۳: ۱۴۲-۱۴۳). به عبارت دیگر، آنچه که مورد نظر مشروطه است، متنوع ساختن و در نتیجه محدود کردن قدرت و اقتدار است. نظریه دولت مشروطه تاکید می‌کند که دولت اساساً پاسدار و نگهبان نظام مبتنی بر قانون اساسی است. این خود مشخصه اصلی نظریه دولت مشروطیت است (وینسنت ۱۳۷۶: ۱۲۴). در ایران به مانند ترکیه واژه مشروطه به عنوان معادلی برای واژه انگلیسی *constitutionalism* یا حکومتی که برشالوده قانون اساسی و نظام پارلمانی بنیاد شده باشد، به کار برده شده است و مشروطیت به آن نظام حکومتی اطلاق می‌گردد که پس از انقلاب ۱۹۰۶ م/ ۱۳۲۴ ق پدید آمد. واژه‌های مترادف مشروطه که در نوشته‌های روشنفکران ایرانی به عنوان ویژگی یا خواست مردم برای استقرار حکومت قانونی غیراستبدادی به خدمت گرفته شده است نیز دلالت بر گرایش عمومی به محدودسازی قدرت مطلق و نوعی تفکیک و تقسیم اجزای آن دارد (حائری ۱۳۶۴: ۲۵۲؛ آدمیت ۱۳۴۰: ۶۶؛ کاتوزیان ۱۳۷۲: ۱۰۱).

۴. آذربایجان در آستانه مشروطه

آذربایجان در دوران سلطنت قاجارها مهم‌ترین ایالات ایران به شمار می‌رفت و تبریز به‌عنوان بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر ایران پس از پایتخت، مقر ولیعهد بود و به نسبت سایر مناطق کشور پیشرفته بود. جمعیت تبریز در ابتدای سده بیستم را بین ۲۰۰۰۰۰ - ۱۷۰۰۰۰ برآورد کرده‌اند (عیسوی ۱۳۶۲: ۳۸). این جمعیت در محلات نوزده گانه تبریز متشکل از طبقات مختلف اعیان، علما، بازرگانان، اصناف و پیشه‌وران و کارگران و کشاورزان را در خود جای داده بودند. محله چهارمنار مکان زندگی علما بود. درحالی که بیش‌ترین

تمرکز اعیان مسلمان در محلات ششگلان، شتریان و نوبر بود و اعیان ارمنی با جمعیت قابل توجهی در کوی مهادهمین (میارمیار) زندگی می‌کردند. در عوض صنف پیشه‌وران و صنعت‌گران در لیل‌آباد و کشاورزان و کارگران در منطقه خوش آب و هوای تبریز، حکم‌آباد ساکن بودند (نادر میرزا ۱۳۶۰: ۵۹-۶۹). به علت موقعیت خاص جغرافیایی، آذربایجان از دیرباز رابطه گسترده‌ای با روسیه و عثمانی داشت و از مدار این دو کشور به بازارهای اروپایی راه پیدا می‌کرد. این مساله علاوه بر ایجاد فرصت آشنایی با اندیشه‌های مدرن، موقعیت برجسته‌ای برای آذربایجان به ویژه رونق اقتصادی آن فراهم می‌کرد. بازار بزرگ تبریز با بیش از ۱۷۰۰۰ مغازه، انبار و کارگاه که از این رقم، ۱۳۰۰ مغازه و کارگاه به مالکان کوچک تعلق داشت؛ نقش محوری در این اقتصاد بر عهده داشت. در این میان صد کارگاه قالی‌بافی با حدود ۱۰ هزار قالیباف در آستانه انقلاب مشروطه در تبریز فعال بودند (فشاهی ۱۳۶۰: ۳۴۵؛ پاولویچ ۱۳۵۷: ۵۴).

تبریز به عنوان شهر اقتصادی اگر چه در حیات خود، دوره‌های از رونق را تجربه کرده بود اما از نیمه‌های دوم سده نوزدهم اقتصاد آن تحت تاثیر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی چون گشایش کانال سوئز و متوقف شدن حمل و نقل از طریق روسیه و ظهور شرکت‌های خارجی در حال رکود و تنزل بود (عیسوی همان: ۱۶۷). این مساله در کنار کاهش چشم‌گیر ارزش پول ملی و بحران مالی کشور که از مدت‌ها قبل دچار آن شده بود بیش‌ترین ضربه را بر عامه مردم به‌ویژه دهقانان و کارگران وارد کرد؛ افزایش بار مالیاتی سنگین بر دهقانان که در آذربایجان علاوه بر پرداخت بهره مالکانه، مالیات نقدی و مالیات سرانه‌ای که به نسبت متفاوتی از افراد مجرد و متأهل و حتی از زنان دریافت می‌شد، در کنار ظلم مالکان و مباحران و نیز عدم امنیت باعث مهاجرت پنهانی به شهرها و حتی روسیه تزاری می‌شد (پاولویچ همان: ۱۳-۲۳؛ فشاهی همان: ۱۷۲-۱۸۱). در شهرها نیز با افزایش نرخ تورم و چیرگی رکورد اقتصادی بهای مواد غذایی به ویژه گندم در آستانه قرن بیستم حداقل ۶ الی ۹ برابر شد (عیسوی همان: ۶۳؛ یزدانی ۱۳۸۸: ۳۳). این درحالی بود که سطح دستمزدها همچنان ثابت بود. مهاجرت، به ویژه در شکل غیرقانونی آن پاسخ طیف وسیعی از مردم در برابر نابسامانی‌های موجود به ویژه وضعیت اقتصادی بود. بر اساس برآوردها حدود ۳۰ تا ۳۵ هزار کارگر ایرانی به طور غیرقانونی از مرز گذشته بودند. تنها از اردیبهل سالانه ۳۰-۴۰ هزار نفر بدون پاسپورت برای کارکردن به روسیه می‌رفتند (شاکری ۱۳۸۴: ۱۱۹؛ ابراهیم‌اف ۱۳۶۰: ۲۵). این مهاجران عنوان حقارت‌آمیز همشهری

را داشتند. دیری نپایید که این کارگران تحت تاثیر جریان‌های سوسیالیستی و اندیشه‌های انقلابی در منطقه قرار گرفتند و سیاسی شدند (ملانصرالدین، س ۱، ش ۳: ۲؛ همان، ش ۱۲: ۲-۳). آنان بعدها در بازگشت به آذربایجان نقش سیاسی برعهده گرفتند و در روند تحولات موثر واقع شدند.

در جامعه ایران عصر قاجار، افراد علاوه بر اینکه دچار فقر و مهاجرت بودند از بی‌عدالتی هم رنج می‌بردند، ایرانیان قرن‌ها با خودکامگی زیسته بودند. در تبریز، زورمندان با تباری با ولیعهد به راحتی به مال و زمین‌های توده‌ها دست می‌یافتند. این مساله نارضایتی توده‌ها را تشدید و زمینه را پیوستن به جنبش مشروطه فراهم آورد. یکی دیگر از پدیده‌های رایج در آذربایجان احتکار گندم بود که بیشتر توسط مالکان که اغلب از علما و اعیان بودند، صورت می‌گرفت. آنان از فروش گندم و جو خودداری می‌کردند تا با کمبود نان به بهای بیش‌تری به فروش برسانند. در نتیجه نان همیشه کمیاب و جلوی نانوائی‌ها پر از معترضین تهیدستی بود که از کیفیت نامرغوب و گرانی نان شکایت داشتند. امری که زمینه را برای اعتراضات، از جمله آشوب خونین ۱۳۱۶ق فراهم کرد (کسروی ۱۳۱۲: ۱۴۰-۱۴۸). هرچند آشوب‌ها سرکوب شد ولی برای کمبود و گرانی نان چاره‌ای اندیشیده نشد و این گرفتاری ادامه داشت تا جنبش مشروطه‌خواهی پیش آمد و یکی از انگیزه‌های مشروطه‌خواهی توده‌ها در تبریز را فراهم آورد.

در آستانه مشروطه، عامه مردم که در گروه‌هایی مانند؛ اصناف (بازرگانان خرده‌پا، پیشه‌وران و صنعتگران، مغازه‌دارها) و لایه‌های فرودست شهری مانند دست‌فروش‌ها، باربرها، گارگران گارگاه‌های تولیدی، ساختمانی ناماهر و خدمتکاران خانگی درکنار گروه‌های سربار جامعه، مثل معرکه‌گیرها، باج‌گیرها، گدایان جای می‌گرفتند (فشاهی همان: ۳۴۸؛ یزدانی همان: ۲۵-۲۶) بیشترین نارضایتی‌ها از وضع موجود را داشتند؛ آنان با موجی از نابسامانی اقتصادی، بیکاری، مهاجرت، بی‌عدالتی، ظلم و استبداد و بی‌قانونی و نیاز برای تامین مایحتاج اساسی مواجه بودند. این نیازها به ویژه، تامین اصلی‌ترین اقلام مصرفی یعنی نان و گوشت در سخنان واعظان مشروطه‌خواه نیز راه یافت و به این دلیل بود که با آغاز جنبش آنان به صفوف مشروطه‌خواهان پیوستند.

۵. تمهید و گسترش رفاه عمومی: ارزانی نان و گوشت

حرکت مشروطه‌خواهی در تبریز به نسبت تهران با اندکی تاخیر شکل گرفت. علی‌رغم گزارش‌های تاریخی از ناآگاهی مردم از قانون و مشروطه، در تبریز کسانی بودند که معنی کشور و زندگانی توده‌ای را می‌فهمیدند و به فکر مقابله با خودکامگی بودند. بر این اساس، با وجود تمامی ممانعت‌ها نخستین شهری که به خواسته‌های اعتراضی تهران پیوست و آیین تحولات مهمی شد، تبریز بود. در ادامه ائتلافی میان معترضان مختلف به ویژه علما و تجار و اصناف شکل گرفت و به بست‌نشینی تعداد معدودی (۱۵ نفر) از معترضین در ۲۸ رجب ۱۳۲۴ق در کنسول‌گری انگلیس انجامید (کسروی همان: ۱۴۹-۱۵۵؛ ثقه‌الاسلام ۱۳۵۵: ۱۱-۱۳؛ راتسیلاو ۱۳۸۶: ۲۵۰-۲۵۳). در پی دگرگونی تدریجی فضای تبریز ولیعهد تلاش کرد با پرداخت مستمری‌ها و پایین آوردن قیمت نان به آرام‌کردن مشروطه‌خواهان بپردازد. اما معترضان با پاسخ "چه مستمری؟ چه نانی؟ ما آزادی می‌خواهیم، عدالت می‌خواهیم، پس از این باید در مملکت قانون جاری شود." به مقابله با ولی‌عهد پرداختند. در این مرحله، به دلیل عدم اطلاع از اعطای مشروطه در تهران، صحبت از مشروطه در میان نبود و سخن از عدالت‌طلبی و آزادیخواهی می‌کردند (ناظم‌الاسلام کرمانی ۱۳۷۶: ۶۲۲؛ کسروی همان: ۱۵۵-۱۵۶). پیوند مشروطه‌خواهی با عدالت‌طلبی و آزادیخواهی، کاربرد این واژه به عنوان مفهومی مدرن را با ابهام بیش‌تری همراه کرد. از سوی دیگر، با توجه به فضای حاکم بر جامعه که برای مشارکت مردم در امور کشور حقی قائل نبود و مردم نیز به دلیل ترس از ولیعهد به آن اهمیتی نشان نمی‌دادند، رهبران جنبش را واداشت تا توده‌ها را بالاجبار با حرکت مشروطه‌خواهی مرتبط سازند؛ به طوری که با شلیک چند تیرهوایی بازار بسته شد و مردم در مسجد محمدخان بیگ‌ریگی و مسجد حاج صفرعلی تجمع کردند (ناظم‌الاسلام کرمانی همان: ۱۶-۶۲۱؛ ویجویه‌ای ۱۳۸۶: ۲۶؛ کسروی همان: ۱۵۵-۱۵۶؛ ثقه‌الاسلام همان: ۱۱-۱۳). درحقیقت توده‌ها خواهان مشروطه نبودند و تنها به پیروی از رهبران خود بود که به جنبش پیوسته بودند (کسروی همان: ۱۶۴ و ۲۵۹-۲۶۰؛ ثقه‌الاسلام همان: ۲۳-۲۵؛ طاهرزاده‌بهبزاد ۱۳۶۳: ۴۴). به دلیل ناآگاهی توده‌ها از معنی مشروطه میرزا جواد از سخن‌گویان مشروطه مامور تشریح اوضاع و آگاهی به مردم شد. به این ترتیب معترضان، اهالی بازار از تجار و اصناف و توده‌های مردم را با اندیشه مشروطه‌خواهی آشنا کردند

(کسروی همان: ۱۵۸-۱۵۹). در این اثنا با درج خبر اجتماعات، تهران خواستار پایان بخشیدن به تجمعات شد. به دنبال آن از مردم سوال شد که چه می‌خواهند: «عوام که از جانی مطلع نبودند گفتند ارزانی نان و گوشت می‌خواهیم دوباره تلقین شد که مشروطه می‌خواهید؟ باز با صدای رسا سه دفعه بله گفتند» (تقه الاسلام همان: ۱۲-۱۳).

علی‌رغم اینکه معنای مشروطه از همان ابتدا در نزد مردم با شفافیت همراه نبود با این حال آن‌ها را وارد عرصه جدال در میان طرفداران جنبش و مخالفان آن کرد. در این بین بسط معنایی مفهوم مشروطه، باعث می‌شد هرکسی معنای مورد نظر خود را برجسته کند. چنین به نظر می‌رسد که عامه مردم در این مرحله مشروطه را برابر با بهبود رفاه عمومی دریافت کرده باشند؛ موضوعی که در سخنان واعظان مشروطه خواه، تنها حلقه ارتباطی توده‌ها با مشروطه نیز انعکاس یافت؛ آنان با طرح یکی از اساسی‌ترین مشکلات پیش روی مردم؛ گرانی گوشت و کمبود نان وعده می‌دادند با مشروطه نه تنها نان ارزان و گوشت فراوان در دسترس همه مردم قرار می‌گرفت بلکه بینوایان از نان و کباب سیر خواهند شد. شیخ سلیم به این حد اکتفا نمی‌کرد او در بالای منبر و در حالی که انگشتانش را پهن و وجب خود را نشان می‌داد با لهجه روستایی خود می‌گفت: "کباب بوابنده کاسب"^۱. این سخنان بر توده‌ها تاثیرگذار بود و باعث دلگرمی تهیدستان می‌شد (کسروی همان: ۱۵۹-۱۶۱). می‌توان گفت در غیاب آموزش‌های لازمه توده‌ها درباره مشروطه به عنوان یه مفهوم جدید و حاصل جوامع عقل‌گرای مدرن، کنشگران جنبش آنان را با محرکه‌های مانند بهبود وضعیت معیشتی و سطح رفاه زندگی‌شان به حرکت و حمایت از مشروطه واداشتند. نهایتاً در ۸ شعبان، مظفرالدین شاه با تایید جنبش تبریز دستور انتخابات و اعزام نمایندگان آذربایجان به پایتخت و نیز عفو عمومی برای متحصنین صادر کرد. موجی از شادی تبریز را فراگرفت. رفتار سیاسی و اجتماعی مردم تبریز سبب شد نویسنده نخستین اثر جامع تاریخ مشروطیت ایران با شگفتی از «تربیت و تمدن اهالی تبریز» در جریان تجمع‌های اعتراضی یاد کند (ناظم‌الاسلام کرمانی همان: ۶۲۴؛ قدیمی قیداری ۱۳۹۹: ۱۹۰).

مشروطه در ابتدای امر آرامش نسبی ایجاد کرد، این امر بیشتر با فراوانی و کاهش محسوس قیمت نان و گوشت در ارتباط بود (ویجویه‌ای همان: ۲۶؛ کسروی همان: ۱۶۶-۱۶۷، تقه‌الاسلام همان: ۲۵؛ همان ۱۳۸۹: ۸۳). با توجه به پشتوانه مردمی، موقتاً جنبش به سمت مطالبات توده‌ها پیش رفت، اما چندان طول نکشید که مجدداً موضوع کمبود، کیفیت

و گرانی نان مردم را به اعتراض و میدان عمل کشاند. در تبریز از دیرباز نان خالص وجود نداشت و ترکیبی از آرد، سنگ، شن و ماسه را به عوض نان به ملت می‌دادند (آذربایجان، س ۱، ش ۳؛ ۶-۷؛ همان، ش ۱۸، ۷؛ ملانصرالدین، س ۱، ش ۲۴: ۶). کیفیت بد نان به حدی بود که روزنامه آذربایجان ضمن پیش‌بینی افزایش بهای نان تا سرحد «قیمت خون مردم» به طنز نوشت؛ حکومت در صدد انتقال تمامی خاک دماوند به محل نانوایان تبریز است (آذربایجان، س ۱، ش ۱۴، ۶-۷؛ همان، ش ۷: ۷). افزون بر آن، مردم از کمبود و گرانی گوشت گله داشتند و یکی از علل آن را تقلب کاری‌های قصابانی می‌دانستند که به مانند دوره استبداد به میل خودشان قیمت‌ها را افزایش می‌دادند و اهالی را به خوردن گوشت حسرت می‌گذاشتند و کیسه خود و مستبدین را از پول ملت پرمی‌کردند (روزنامه ملی، س ۱، ش ۳۰؛ ۴؛ انجمن، س ۱، ش ۶۰، ۲).

در این بین سران مشروطه، انجمن تبریز را پایه‌گذاری کردند. این نهاد ملی با عضویت برخی از علما، بازرگانان و نمایندگان اصناف مختلف از چیت فروشان، زین‌دوزان، میوه‌فروشان، توتون‌چیان و قندفروشان وظیفه مهم ملی و مدنی را برعهده گرفتند و حرکت مستقلی در مسیر مشروطه‌خواهی و دموکراسی آغاز کردند. از اقدامات اعضای انجمن تشکیل دو مجمع بود؛ مجمع رسیدگی به امور مختلف محلی و کشوری و مجمع نظارت بر انتخابات (آفاری ۱۳۷۹: ۱۱۱؛ قدیمی قیداری همان: ۱۹۰). انجمن در آغاز بسیار قدرتمندانه عمل کرد و موضوع تأمین مایحتاج اساسی مردم را مورد توجه قرارداد (روزنامه ملی، س ۱، ش ۷؛ همان، ش ۱۷؛ ۲؛ همان، ش ۲۵؛ ۴؛ همان، ش ۲۶؛ ۳؛ همان، ش ۲۷؛ ۱؛ همان، ش ۳۲: ۲-۱). حتی مجبور به تنبیه نانوایی‌های شد که کم فروشی می‌کردند (همان، ش ۴، ۱). انجمن هم‌چنین به مقابله با محتکرین غله که عمدتاً از ملاکین و تاجران بودند پرداخت؛ در این راستا ضمن تأکید بر احتیاج فوری خانواده‌ها به غله، از نماینده حکومت خواسته شد بدون تاخیر به تهیه و فروش آن اقدام گردد. در این بین جمعی از مجاهدین و فدائیان داوطلب شدند که به محلات رفته و حمل غله نمایند (انجمن، س ۱، ش ۴۳؛ ۱؛ کسروی همان: ۲۳۱؛ ثقه‌الاسلام، ۱۳۷۸: ۲۷ و ۷۹). انجمن تبریز به دلیل اهمیت مساله و ارتباط آن با معیشت و خواست مردم استثنایی در این خصوص قائل نشد و حتی غلات املاک میرزا حسن آقا، مجتهد پرنفوذ تبریز و پسرش را ضبط و به مردم فروخت (روزنامه ملی، س ۱، ش ۲۲، ۲-۱). با این حال مشکل تأمین غله به دلیل «مسامحه و تعلل زیاده از سابق ملاکان در فروش» همچنان به قوت خود باقی ماند و منجر به کمبود و اغتشاش نان در

جستجو در معنا و تلقی مردم ... (عباس قدیمی قیداری و زهرا کاظمی) ۲۰۹

شهرهای مختلف و نیز پیوستن زنان معترض به صفوف متحصنان تلگرافخانه که مطالبه قانون اساسی داشتند، شد (انجمن، س ۱، ش ۴۷: ۲؛ همان، ش ۶۱، ۳؛ همان، ش ۶۲: ۴؛ ثقه الاسلام، ۱۳۵۵: ۵۶؛ همان، ۱۳۷۸: ۹۷-۹۸؛ انجمن، س ۱، ش ۹۶: ۱-۲).

در اوایل حرکت مشروطیت «معنای درست و دقیق» از معنی مشروطه وجود نداشت. رهبران، روشنفکران از طریق مباحث، انجمن‌ها و جراید در تلاش بودند تا به تعریف عملی از مشروطیت دست یابند (شهابی ۱۳۹۴: ۳۳۲). آنان موفق شده بودند از گذرکارهایی چون درخواست پایین آوردن قیمت نان و اقامه این استدلال که قیمت بالای مواد غذایی تقصیر حکومت است، فقرا را به سمت خودشان جلب کنند (آبراهامیان ۱۳۹۴: ۳۱-۳۰). اما با تغییر حکومت و ادامه نوسان قیمت‌ها راه توده‌ها جدا شد و متعاقب آن خشم عمومی نمایان گشت؛ در اثنای تجمع‌های مطالبه قانون اساسی یک نفر از نانوهای متخلف دروازه گجیل را در حیاط تلگرافخانه تا سرحد مرگ کتک زدند و نیز حاج قاسم اردبیلی، از مالکان توانگر و در عین حال انباردار بدنام را در انتظار عمومی زجر کش کردند (انجمن، س ۱، ش ۹۶، ۲-۱؛ کسروی همان: ۳۵۴-۳۵۵؛ ثقه الاسلام ۱۳۷۸: ۹۳-۹۸؛ همان ۱۳۵۵: ۵۶-۵۷). عامه مردم انتظار داشتند که با تغییر نظام اجرایی عمل نان اصلاح گردد (انجمن، س ۱، ش ۱۰۰، ۱-۴). اما در عمل، دولت مشروطه نیز نتوانست این خواست عمومی را عملی و به مشکل نان پایان بخشد. این امر تا حدی مرتبط با عدم ارسال غله توسط روستائیان بود که در این زمان برداشت‌های خاصی از مفهوم مشروطه داشتند.

۶. آشوب در دهات

اگرچه در تبریز مفهوم مشروطه برای توده‌های شهری با موضوع تأمین مایحتاج عمومی گره خورد، اما در سایر مناطق آذربایجان انعکاس دیگری یافت؛ از یادگیری هرچه بیش‌تر مسائل شرعی تا از سرگیری کینه‌های کهن و جدال حیدری نعمتی در اردبیل (کسروی همان: ۱۹۶-۱۹۷ و ۲۳۷؛ انجمن، س ۱، ش ۵۴، ۱). اما واکنش مردم در روستاها متفاوت‌تر از شهرها بود، روستائیان نام مشروطه را شنیده و معنی آن را آشوب و خودسری دانستند. آنان مباشران را رانده و از پرداخت مالیات و حمل غله به شهرها خودداری می‌کردند. ماموران دولتی و مالکان و مباشران جرأت ورود به این روستاها را نداشتند (ثقه الاسلام ۱۳۷۸: ۵۱-۷۲؛ انجمن، س ۱، ش ۹۴، ۱؛ کسروی همان: ۲۴۸-۲۴۹؛

پاولویچ همان: ۱۹-۱۸). در قراچمن، با اخراج مالک روستا و غارت انبارها کار به کشتار و تاراج مردم کشیده بود (تقه الاسلام ۱۳۷۸: ۳۸-۳۹؛ آذربایجان، س ۱، ش ۱۱: ۶). روستائیان حتی خودسرانه شروع به تشکیل انجمن‌های محلی نمودند، این درحالی بود که بر اساس نظام‌نامه فقط در شهرها حق تشکیل انجمن وجود داشت (انجمن، س ۱، ش ۳۹: ۳-۲؛ همان، ش ۵۸: ۳). البته در گیلان نیز جنبش دهقانی علیه اربابان صورت گرفت و توانست موفقیت‌های در برابر مالکین به دست آورد (آدمیت ۱۳۶۳: ۷۰-۷۵؛ همان بی تا: ۴۶۸).

شورش رعایا و تمکین نداشتن در رعایت اصول سستی و پرداخت حقوق اربابی بیش‌تر تحت تاثیر سخنان واعظان مشروطه‌خواه رادیکال صورت می‌گرفت؛ آنان روستائیان را تشویق به بیرون کردن مباشران و مقابله با مالکانی که حقوق روستائیان را غارت کرده بودند، می‌کردند (تقه الاسلام ۱۳۵۵: ۳۴؛ همان ۱۳۷۸: ۱۷ و ۷۲). این در حالی بود که از منظر طیفی دیگر از انقلابیون شهری، این اقدامات منجر به رواج فزاینده "اصول‌آناشیتستی" و سرخوردگی مالکان می‌شد. با توجه به اینکه اغلب رعایا نیازمند مساعدت‌های مالکانشان بودند، ترس از آن می‌رفت با ادامه آشوب‌ها، روستائیان حمایت اربابان خود را از دست بدهند مساله‌ای که زمینه را برای قحطی، جنگ داخلی و پناه‌بردن به دولت‌های خارجی را افزایش می‌داد (تقه الاسلام ۱۳۷۸: ۴۵ و ۴۱). انجمن تبریز نیز برای مقابله با چنین برداشت‌های از مشروطه وارد عمل شد و ضمن حمایت از حقوق مالکان این اقدامات را برخلاف روح مشروطه دانست و تدابیری فوری از جمله استفاده از قوه جبریه برای مقابله با آنان صورت داد. سیاست‌هایی که تقریباً توانست مشکل آشوب و اثرات زیانبار مرتبط با آن را تا حدی جبران کند. شورش روستائیان، هرچند موجبات نگرانی شاهدان عینی را فراهم آورد اما به نظر می‌رسد در این مرحله روستائیان به مشروطه به عنوان فرصتی برای کین‌خواهی و پایان‌دادن به ظلم‌های وارده و انتقام‌گیری از مستبدان و توان‌گران می‌نگریستند.

۷. عدالت‌خواهی

عدالت و پایان بخشیدن به ظلم و ستم یکی از مهم‌ترین محرک‌های اجتماعی بوده است که توده‌ها را به میدان مشروطه‌خواهی کشاند. سخنگویان مشروطه از نخستین روزهای بست‌نشینی از اثرات ظلم بر مردم سخن می‌گفتند و از لزوم برچیده شدن ظلم و حاکمیت

عدالت و قانون. بدین لحاظ توده‌ها با شنیدن نام عدالت در تقویت آن کوشیدند (اتحاد، س ۱، ش ۱۹، ۱؛ ناظم‌الاسلام کرمانی همان: ۶۲۲-۶۲۴؛ کسروی همان: ۱۵۹-۱۶۱؛ طاهرزاده بهزاد همان: ۱۳-۱۵). آنچه در روزنامه ملی انعکاس یافت نیز تاکید بر ضرورت گسترش عدالت به عنوان مطالبه اصلی توده‌های فرودست بود (روزنامه ملی، س ۱، ش ۱؛ همان، ش ۲۷؛ همان، ش ۳۰: ۳). در این بین حداقل در بین گروهی از سران مشروطه این باور وجود داشت که از مشروطه به عنوان «نعمتی عظمی» باید تمام رعایا بهرمنند می‌گردیدند و ظلم و ستم پایان می‌یافت (همان، ش ۳۲، ۲-۳؛ همان، ش ۳۰، ۳). دست کم انجمن تبریز به این مؤلفه توجه داشت. از این رو مردم حتی شهروندان غیرمسلمانان مرجع با نفوذی به مانند آن را برای بازگ کردن مشکلات شان قراردادند و با ارائه عریض‌های متعددی درصدد رفع مشکلات برآمدند. مساله‌ای که اختلال در امور انجمن را در پی داشت. تصور مردم از مشروطه رسیدگی به عریض و رفع ظلم و تعدی‌ها بود (همان، ش ۱۹؛ انجمن، س ۱، ش ۴۹: ۳؛ روزنامه ملی، س ۱، ش ۳۴، ۲). مراجعات به مرور به حدی افزایش پیدا کرد که انجمن مجبور به تعیین مامور اجرائی جهت رسیدگی به عریضه‌ها تا رسیدن قانون اساسی شد.

استنباط توده‌ها از مشروطه برقراری عدالت بود و از آنجایی که مردم همواره دولت را عامل بی‌عدالتی می‌دانستند (کاتوزیان همان: ۱۰۳). با حمایت از مشروطیت انتظار تحول اساسی در تحقق عدالت، مقابله با اقدامات خودسرانه و تساوی حقوقی داشتند (روزنامه ملی، س ۱، ش ۶، ۱؛ همان: ش ۳۱، ۴) از این منظر؛ دولت مشروطه عبارت بود از مملکتی منظم مقنن که در آن ملت در قانون یکسان و در حقوق ملی مساوی خواهند بود و احدی به دیگری بدون استحقاق برتری نداشته‌باشد و در حق دیگری تجاوز و ظلم ننماید (اتحاد، س ۱، ش ۴: ۱-۳؛ انجمن، س ۱، ش ۴۸: ۴). به عبارتی دیگر، اگرچه دریافت عامه مردم از مشروطه متفاوت از فهم حقیقی آن بود ولی پیام آن را برطبق نیاز خود درک کرده بودند و از نظام جدید انتظار داشتند که به رفع ظلم و تعدی بپردازند. آنان تحت تاثیر واعظان مشروطه، دریافته بودند که رمز ترقی ملت‌ها در نظام مشروطه و وابسته به حاکمیت عدالت، مساوات در عمل بود و نه در نظر. با چنین نگاهی به مشروطیت بود که عامه مردم به به مشروطه پیوسته بودند اما فقدان حاکمیت عملی نظام عدالت، توده‌ها را دلسرد و اعتراضات و نهایتاً رویگردانی آنان را فراهم می‌آورد. این امر در همان ابتدای راه توسط بعضی از نمایندگان انجمن پیش‌بینی شد (روزنامه ملی، س ۱، ش ۳۴). از نظر توده‌ها،

هیچ شرطی از مشروطیت اجرا نشده و مطالباتِ شان در عمل بی پاسخ مانده بود، امری که انجمن خود نیز بر آن معترف بود. تداوم نظام مالیات‌گیری سابق در کنار ناامنی و غارت‌های فزاینده و نیز عدم رسیدگی به دادخواهی‌های مردم، منجر به واکنش توده‌ها و تعطیلی بازار شد. اهالی به ستوه آمده بودند و حقوق شان را پایمال شده می‌پنداشتند. بدین لحاظ هشدار دادند که اگر انجمن از رسیدگی به امور و عرایض مردم عاجز شده است به آنان بگوئید تا برای خودشان چاره‌ای بیندیشند (روزنامه ملی، س ۱، ش ۱۲: ۱-۲؛ همان، ش ۲۱: ۱-۲؛ انجمن، س ۱، ش ۷۴، ۳-۴؛ همان، ش ۹۵، ۴؛ همان، ش ۱۰۱، ۴) مردم تاکید داشتند که در دوره استبداد زیر فشار استبداد مستهلک شده بودند و شب روز دست به دعا بودند تا از ظلم‌رهایی پیدا کنند آنان متعجب از این بودند که امت اسلام گرفتار ظلم و جور و تنگی معاش شدند اما ملت‌های دیگر در سایه نظم، عدالت و مساوات در امنیت به سر می‌برند (انجمن، س ۱، ش ۱۰۲، ۲-۳). این سخنان به دریافت آنان از مشروطه برمی‌گشت، آنان گمان می‌کردند که مشروطیت "تلافی مافات کرده و ریشه ظلم و استبداد را خواهد برچید و مردم را از جور و ظلم ظالمین" رهایی خواهد بخشید. چنین فهمی از مشروطیت امری طبیعی بود؛ چرا که واعظان مشروطه را در معنی حاکمیت عدالت و برابری به توده‌ها انتقال می‌دادند حتی در استبداد صغیر، زمانی که مشروطه‌خواهان در مظان بایی‌گری قرار گرفتند، در تبریز همچنان مشروطه «عین عدالت و مساوات و سبب برکندن ریشه ظلم و استبداد» معنی می‌شد (ویجویه‌ای همان: ۶۵ و ۱۰۶-۱۱۹) از سوی دیگر، از آن‌جایی که بدون برابری در برابر قانون، آزادی نمی‌توانست وجود داشته باشد (هاول ۱۳۹۸: ۶۷). مردم به دنبال اجرای عدالت به میزان یکسان در میان تمام طبقات بودند. آنان توقع داشتند در برخورد قانون با افراد، جایگاه و موقعیت اجتماعی آن‌ها در نظر گرفته نشود

ما مشروطه شده‌ایم تا توسط‌کردن و اغماض در کارها متوقف شود و حکام باید در اجرای احکام قانون در برابر هیچ کس مسامحه و فروگذاری نکنند و در امورات حقه به هیچ وجه توسط واسطه‌ها که موجب بی‌نظمی و مانع از احقاق حق می‌شوند قبول نمایند (انجمن، س ۱، ش ۴۹: ۲-۳).

با مشروطه، منظره اجتماعی جدیدی بروز کرده و کارگران مهاجر با امید به تغییر اوضاع مصمم به بازگشت به وطن خود شدند. تصور بر این بود که دوره نوینی در بهبود وضع

اقتصادی و سیاسی ایران شروع خواهد شد (کسروی همان: ۱۹۳؛ پاولویچ همان: ۲۳). بر این اساس مشروطه در وهله اول، برای رعیت ایرانی که در قفقاز به کارهای سخت تن می‌دادند، به معنی «دریافت پول زیاد و دیدن روز خوش» و رهایی از کار طاقت‌فرسا بود. جلیل محمدقلی‌زاده، مدیر و ناشر هفته‌نامه منتقد و پیشرو ملانصرالدین داستان کارگران مهاجر ایرانی قفقاز را روایت می‌کند که با دریافت خبر اعطای مشروطیت، درصدد سهم‌خواهی برآمدند؛ در تصور آنان قرار بود مشروطه از ایران به قفقاز به مانند کشمش، حنا، مغز بادام و توتون و چای حمل شود (محمدقلی‌زاده ۱۳۳۵: ۱۲۰-۱۳۱). اما اغلب کارگران که از «کثرت ظلم و جور و حکام ملاکان» به خارج پناه برده بودند اعطای مشروطیت را به معنی بنای عدالت در ایران دانستند و عزم بازگشت به وطن کردند و امید به بهبود وضعیت داشتند (روزنامه ملی، س ۱، ش ۶؛ همان، ش ۳۵، ۳؛ انجمن، س ۱، ش ۴۶: ۴؛ همان، ش ۴۷: ۱) این مساله از سوی بعضی از روزنامه‌های قفقاز که از نزدیک روند اسفبار کارگران ایرانی را دنبال می‌کردند مورد تایید قرار گرفت. هر چند به آنان هشدار داده شده بود که ضمن تلاش برای اعاده حقوق خود، زیاد به حریت ایران «امیدوار نباشند» و به آن «زیاد اکتفا نکنند» (ملانصرالدین، س ۱، ش ۳: ۲-۳).

باور به عدالت مشروطه بود که بسیاری از کارگران ایرانی را به وطن بازگردانید. به گزارش انجمن، یک نفر از اهالی خوی که در زمان استبداد مجبور به مهاجرت شده بود، با دل‌گرمی به عدالت در ایران به زادگاه خود مراجعت کرد ولی به محض ورود، به او تذکر داده شد که باید دو هزار منات به عنوان سهم نایب‌الحکومه خوی پرداخت کند در غیراین صورت به اتهام دزدی زندانی خواهد شد. چنین برخوردهای منجر به دادخواهی‌های کارگران می‌شد (روزنامه ملی، س ۱، ش ۶: ۱). خواست مردم و به ویژه مهاجران ایرانی، عدالت و مبارزه با ظلم بود ولی موانع زیادی به ویژه فقدان حاکمیت قانون برای تحقق آن وجود داشت. بدین لحاظ قانون‌خواهی به عنوان تنها راه نجات توده‌ها به‌رخ کشیده شد و به شدت از سوی آنان مطالبه شد.

۸. قانون‌خواهی و رهایی از استبداد

از دیگر مولفه‌های که در پیوند با مشروطه برای عامه مردم مطرح شد رهایی از استبداد و قانون‌خواهی بود. البته از دهه‌هایی پیش، در تبریز فهمیده بودند که مشکل اساسی ایران

قانون است و هیچ دگرگونی مهمی در اوضاع کشور بدون اصلاح نظام قانونی و حاکمیت قانون ممکن نخواهد بود (طباطبائی ۱۳۹۹: ۲۰۷). براین اساس با پیروزی جنبش، در فقدان درک منسجمی از قانون، قانون‌خواهی در صدر مطالبات مشروطه‌خواهان به ویژه توده‌ها قرار گرفت. البته این خواست توده‌ها ناشی از درک صحیحی از مفهوم قانون و در معنی مدرن آن نبود، بلکه بیشتر بازتابی از تلقی و انتظارات توده‌هایی بود که تحت تاثیر القائات رهبران مشروطه، مشروطه و قانون را تنها راه بهبود وضعیت خود می دانستند. بدین لحاظ گوشه‌نشینان به این امید قدم برداشتند تا «برای ملت قانونی بگذارند که هرکس حقوق خود را دانسته تا بیشتر از این ظلم خودفروشی نکند و مظلوم زبونی نکشد مال ملت را مفت نبرند و مفت نخورند» (نقه الاسلام، ۱۳۷۸: ۴۰۱؛ ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳: ۲۰۹). به عبارت دیگر، وضع قانون برای استقرار عدالت بود، عدالتی که از «امکان تقصیر» پیش‌گیری می‌کرد و به ناامنی‌های جانی و مالی، نظام مالیاتی بی‌حساب و کتاب و حاکمیت مستبدین بر توده‌ها پایان می‌بخشید (انجمن، س ۱، ش ۴۴؛ همان، ش ۶۹، ۲؛ آذربایجان، س ۱: ش ۱۲، ۷-۲؛ همان، ش ۳، ۷-۶؛ طالبوف ۱۳۸۶: ۷۵). تصور توده‌ها بر این بود که با قانون‌خواهی می‌توانند به حقوقشان دست یابند. ناگفته نماند جراید آن روز نیز این بحث را تشدید می‌کردند؛ قانون اساسی به عنوان اساس مشروطیت اعلام شد که از مدار آن کشور می‌توانست «به سرعت به درجات عالی برسد و یک شبه ره صد ساله طی کند» (روزنامه ملی، س ۱، ش ۲۸، ۳؛ انجمن، س ۱، ش ۳۸: ۴؛ همان، ش ۴۷: ۳؛ انجمن، س ۱، ش ۸۵-۴؛ آذربایجان، س ۱: ش ۱۲: ۲). با این وجود، وعده‌هایی که فرودستان را به صحنه کشانده بود عملی نشد و نارضایتی‌ها تشدید یافت. توده‌ها در بیان وضع موجود به درستی یادآور شدند؛ هدف از تقید به مشروطیت «حسن رفتار و ترک رذایل است نه این‌که از رسم سابق هم غلو کرده و باعث ریختن خون و برداشتن عرض و ناموس مسلمانان شوند» (انجمن، س ۱، ش ۱۰۸، ۴-۳). این واکنش‌ها در پاسخ به تداوم وضع پیشین بود؛ عدم برقراری امنیت، ناعدالتی و عدم رسیدگی به درخواستهای مردم و بی‌قانونی. حتی «عمل گوشت و نان» نیز در این زمان خود تابعی از فقدان قانون و قانونگریزی در کشور بود (طباطبائی همان: ۱۹۰). بدین جهت مطالبه قانون تنها راه نجات مردم و کشور تلقی شد. در ابتدا امیدها به نظام‌نامه بود ولی از آنجایی که نظام‌نامه موقتی بود و تبریزیان آن را نارسا می‌یافتند، نگاه‌ها به اعطای قانون اساسی بود تا بر اساس آن تکلیف همه معین شود. مردم به خوبی دریافته بودند که علاج کار استقرار قانون است، بدین لحاظ

جمعی از توده‌ها با حضور در انجمن اعلام داشتند «ما مشروطه شده‌ایم که استبداد پایان پذیرد و کارها با اطلاع و تصویب مجلس انجام گیرد و ظالمین و مستبدین سابق در مصدر امور نباشند پس مجلس و مشروطه برای چیست که مستبدان اطراف شاه هستند و منصب‌دار امور؟» (انجمن، س ۱، ش ۴۲، ۱؛ همان، ش ۴۳: ۲). این سخنان زمانی مطرح شد که شاه جدید تعداد زیادی از مستبدان را به دور خود جمع کرده بود. این مساله به همراه نامنی‌های آذربایجان عاملی برای شورش بهمن ماه در ۱۳۲۵-۱۳۲۴ق در تبریز شد. مورد دیگر قانون‌خواهی توده‌های فرودست، برای تصویب متمم قانون اساسی بود، مقاومت و امتناع شاه در برابر نسخه نهایی قانون مشروطه منجر به تجمع بزرگ در تبریز و تعیین مهلت ده روزه برای تصویب آن شد (ثقه الاسلام ۱۳۵۵: ۵۴؛ کسروی همان: ۲۹۹).

در آذربایجان این نگرانی وجود داشت که تأخیر در تدوین و تصویب قانون اساسی منجر به از بین رفتن اساس آزادی و مشروطیت گردد (طاهرزاده بهزاد همان: ۵۷). در این راستا روزنامه آذربایجان، به محمدعلی شاه متذکر شد که اگر خواهان استفاده از مالیات، وجوه تقدیمی، جریمه و پیشکش‌های مردم است باید قانون اساسی را امضاء نماید (آذربایجان، س ۱، ش ۱۴: ۴). این در حالی بود که مردم معنای خاصی از مشروطه را دریافت می‌کردند؛ هرکسی در نزد خود معنی دیگری به مشروطه و قانون می‌داد. آن‌ها حتی نمی‌دانستند قانون اساسی چیست و آن را چیز خوردنی تلقی کرده و به فکر آن بودند که با اخذ آن فرزندان خود را سیرکنند (ملانصرالدین، س ۱: ش ۵، ۲؛ کسروی همان: ۲۶۵).

در دورانی که خلأ قدرت ناشی از تغییر حکومت، منطقه را با ناامنی، هرج و مرج و مشکلات اقتصادی مواجه کرده بود، میل به قانون‌خواهی در بین عامه مردم فزونی گرفت؛ به دین لحاظ با حضور در انجمن و بستن بازار و شرکت در تحصن‌ها به شدت مطالبه قانون داشتند. شعار اصلی متحصنین قلع و قمع ریشه استبداد و رفع مستبدین بود (انجمن، س ۱، ش ۴۵: ۳؛ همان، ش ۵۹، ۴). تجمعات برای مطالبه قانون اساسی طایفه نسوان را نیز به مساجد و تلگرافخانه کشاند. حتی اهالی تبریز به فکر تدارک سفر به تهران برای مطالبه قانون بودند (همان، ش ۸۷، ۱). ملت قانون اساسی را می‌خواستند؛ چراکه در آن حقوق ملت معین و مشخص می‌شد و این راه را بر تعدی‌های چندین صدساله می‌بست و حقوقشان را در برابر مستبدین حفظ می‌کرد.

موضوع تصویب فوری قانون و اعطای آن به دیگر شهرها و روستاهای آذربایجان نیز سرایت کرد؛ ایلات و عشایر دست‌ازکار کشیدند و هر روز گزارشی از پیشرفت کار می‌خواستند (همان، ش ۸۵، ۴؛ همان، ش ۸۹، ۲؛ همان، ش ۸۶، ۲-۱؛ همان، ش ۹۲، ۱-۲). مردم تاکید داشتند که قانونی اساسی که در آن حدود سطنت مشروطه و حقوق ملت مشخص شده باشند را می‌خواهند و ابداً حاضر به تمکین به اراده چند نفر نخواهند شد تا حقوق ملی شان ضایع و پایمال استبداد شود (همان، ش ۸۸، ۳-۴). البته تهران طی تلگرافی به تبریز، تاکید کرد که قانون اساسی فقط جامع اصول قوانین است و در رفع بی‌نظمی‌ها اثر فوری نخواهد داشت و خواستار بازکردن بازار و پایان دادن به تحصن‌ها شدند (همان، ش ۹۱، ۳). اما اعتصاب‌ها همچنان ادامه داشت و عامی‌ترین طبقات اجتماعی در تلاش برای به ثمر رسیدن قانون‌خواهی بودند؛ بطوریکه وقتی کسبه را آماده برای بازگشایی بازارها می‌کردند، باربر، مقنی، گورکن، سقا و حمال، دوغ، شیر و شکر فروش‌ها فریاد می‌زدند "آچاروخ"^۳. تهیدستان از تعطیلی بازار استقبال می‌کردند و با اینکه معنی قانون اساسی را نمی‌دانستند در مطالبه آن پافشاری می‌کردند. این طبقات قانون را چاره همه دردهای خود می‌دانستند (ثقه الاسلام ۱۳۷۸، ۸۰-۸۶؛ کسروی همان: ۲۳۶ و ۳۱۳).

لزوم استقرار حکومت قانون توسط توده‌ها بیشتر ناشی از آن بود که آنان با مشاهده اوضاع چنین نتیجه گرفته بودند که هرگونه دستیابی به رفاه و آسایش در پیوند با قانون بود (انجمن، س ۱، ش ۷۳، ۴؛ همان، ش ۷۶، ۱؛ همان، ش ۸۳، ۳). این بحث از سوی رهبرانی که نگران از دست دادن پشتیبانی توده‌ها بودند تقویت می‌شد؛ آنها به نقش قانون و اثرات مرتبط با آن می‌پرداختند و به توده‌ها دلگرمی می‌دادند. مردم نیز تحت‌تاثیر آنها بی‌صبرانه چشم به راه رسیدن قانون بودند. اگر کسی شکایتی از ناامنی‌ها و بدخواهی درباریان می‌نمود در پاسخ می‌گفتند «بگذارید قانون اساسی بیاید همه این‌ها درست خواهد شد». همگان در این مرحله به قانون اساسی دلبسته بودند همان‌طوری‌که پیش از این به دبستان‌ها دلبسته بودند (کسروی همان: ۱۸۸). آنان خوشبینانه تصور می‌کردند زمانی که قانون به دست مردم برسد هرکس با میل اراده خود آن را پذیرفته و به آن عمل می‌کردند و منشاء سامان کارها و ترقی و پیشرفت کشور خواهد شد (انجمن، س ۱، ش ۸۱، ۳؛ کسروی همان: ۲۹۹). به این لحاظ بسیاری از مشروطه‌خواهان، پیدایش و استواری بستری قانونی را می‌جستند که از دامنه‌های ناامنی زندگی و کار و غیرمنتظره بودن شرایط بکاهد. البته وجود این خواست عمومی که در قالب «مشروطه» انعکاس می‌یافت، الزاماً با تصویر

روشنی در ذهن و زبان عموم مردم همراه نبود (کاتوزیان همان: ۱۰۱؛ اشرف ۱۳۷۲: ۳۶۷) به نظر می‌رسد آنان دریافت ابتدایی از قانون داشتند و آنچه می‌خواستند قانون نه در معنی واقعی، بلکه منطبق با نیازهای خود بودند به این دلیل تصور می‌کردند که با تغییر حاکمیت و استقرار قانون، خود به خود آرمان‌هایشان به دست خواهد آمد. ولی غافل از این مسئله بودند که در غیبت تاریخی قانون و نظم مبتنی بر آن در جامعه ایرانی، وجود قانون نمی‌تواند راهکشی مشکلاتشان شود.

۹. نتیجه‌گیری

مشروطه مفهومی نو و جدیدی بود در جامعه ایران قرن بیستم. ناآشنایی جامعه ایران با این مفهوم و تازگی آن در حیطه ساخت نظر و عمل دشواری‌های فراوانی ایجاد و تفسیرها و برداشت‌های متنوع و مختلفی را موجب شد. جامعه ایران و به تبع آن آذربایجان بنا به ساخت و بافت پیشین تصویر روشن و دقیقی از مشروطه نداشتند. با این حال کنشگران و رهبران مشروطه در سطوح مختلف تلاش‌هایی را برای جا انداختن این مفهوم و آشنا کردن مردم با این معنا و حد و ثغور آن در مناسبات اجتماعی و سیاسی صورت دادند. با اینکه از دیدگاه گزارش‌گران عصر مشروطه سطح فکر و دریافت عمومی مردم آذربایجان از مشروطه و مشروطیت به نسبت سایر اهالی ایالات و ولایات ایران در سطح بالاتری قرار می‌گرفت، آنچه از مشروطه در نزد عامه مردم معنا شد، نه معنای واقعی آن بلکه نسبت آن با آسایش و رفاه عمومی و عدالت و پایان ظلم و ستم کارگزاران دستگاه دولت بود. با این تلقی واقعی می‌توان گفت دریافت عامه مردم از معنای مشروطه با نیازها و انتظارات آنان که عمدتاً حول خواسته‌های اقتصادی و برابری و نیز دادخواهی بود پیوند وسیعی می‌یافت. مشروطه مفهومی مدرن بود و مقدمات خود را داشت و البته پیامدها و نتایجی. سیر تحول معنایی مشروطیت از نسبت آنان با نیازهای اقتصادی و تسویه حساب‌های سیاسی، قانون‌خواهی و عدالت‌خواهی.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله از طرح فرادکتری دانشگاه تبریز با شماره قرارداد ۱۶۹۹/ص استخراج گردیده است.

۲. ای بی نوا کباب یک وجب .

۳. باز نمی کنیم.

شیوه ارجاع به این مقاله

قدیمی قیداری، عباس، کاظمی، زهرا. (۱۴۰۰). جستجو در معنا و تلقی مردم آذربایجان از مشروطه. *تحقیقات تاریخی اجتماعی*، 11(1).

doi: 10.30465/shc.2021.36950.2235

کتابنامه

- ابراهیم اوف، ت.ا. (۱۳۶۰). پیدایش حزب کمونیست ایران. ترجمه ر. رادنیا. تهران: گونش.
- اشرف، احمد (۱۳۷۲). «چهار روایت از انقلاب مشروطه». ایران نامه، ش ۱، س ۱۱.
- انقلاب مشروطه ایران (۱۳۹۲). ویراسته هوشنگ ا. شهابی و ونسا مارتین. ترجمه محمدابراهیم فتاحی. تهران: کتاب پارسه.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۴). مردم در سیاست ایران. ترجمه بهرنگ رجیبی. تهران: چشمه.
- آدمیت، فریدون (۱۳۶۳). فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت. تهران: پیام.
- آدمیت، فریدون (بی تا). ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران. تهران: پیام.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۰). فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت. تهران: سخن.
- آفاری، ژانت (۱۳۸۰). انقلاب مشروطه ایران. ترجمه حیدر رضائی. تهران: بیستون.
- آقا بخشی، علی و مینو افشاری راد (۱۳۸۳). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: نشر چاپار.
- بیرو، آلن (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
- پاولویچ، م و تریا، س. ایرانسکی (۱۳۵۷). سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران. ترجمه م. هوشیار. تهران: امیر کبیر.
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۷). مبانی دتش اداره دولت و حکومت. تهران: سمت.
- تقه الاسلام تبریزی، میرزا علی (۱۳۸۹). رسائل سیاسی. به اهتمام علی اصغر حقدار. تهران: چشمه.
- تقه الاسلام تبریزی، میرزا علی (۱۳۵۵). مجمل حوادث یومیه مشروطه در نصرت الله فتحی. مجموعه آثار قلمی تقه الاسلام تبریزی. تهران: انجمن آثار ملی.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۴). تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق. تهران: امیرکبیر.

جستجو در معنا و تلقی مردم ... (عباس قدیمی قیداری و زهرا کاظمی) ۲۱۹

حجاریان، عقیقه، علی اصغر پورعزت و دیگران (۱۳۹۰ تابستان). «بررسی جایگاه عامه مردم در سیستم مهار و موازنه قدرت»، فصل نامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت بهبود و تحول، س ۲۱، ش ۶۴.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۵). لغت نامه. تهران: انتشارات موسسه لغت نامه دهخدا.

راتسیلاو، آلبرت چارلز (۱۳۸۶). کنسول در شرق: خاطرات جنرال کنسول انگلستان از زندگی سیاسی خود و انقلاب مشروطیت ایران. ترجمه رحبعلی کاویانی. تهران: موسسه تحقیقات علوم انسانی.

روزنامه اتحاد: س ۱، ش ۴، ۱۸/ صفر/ ۱۳۲۶.

روزنامه انجمن: س ۱، ش ۳۹، ۲۰/ دیحجه الحرام/ ۱۳۲۴؛ ش ۴۲، ۲۷/ دیحجه الحرام/ ۱۳۲۴؛ ش ۴۳، ۲۹/ دیحجه الحرام/ ۱۳۲۴؛ ش ۴۴، غره/ محرم/ ۱۳۲۵؛ ش ۴۵، ۳/ محرم/ ۱۳۲۵؛ ش ۴۶، ۶/ محرم/ ۱۳۲۵؛ ش ۴۷، ۱۳/ محرم/ ۱۳۲۵؛ ش ۴۸، ۱۵/ محرم/ ۱۳۲۵؛ ش ۴۹، ۱۷/ محرم/ ۱۳۲۵؛ ش ۵۳، ۲۸/ محرم/ ۱۳۲۵؛ ش ۵۸، ۷/ صفر/ ۱۳۲۵؛ ش ۵۹، ۸/ صفر/ ۱۳۲۵؛ ش ۶۰، ۱۳/ صفر/ ۱۳۲۵؛ ش ۶۱، ۱۴/ صفر/ ۱۳۲۵؛ ش ۶۲، ۱۱/ ربیع الاول/ ۱۳۲۵؛ ش ۷۳، ۱۲/ ربیع الاول/ ۱۳۲۵؛ ش ۷۴، ۱۶/ ربیع الاول/ ۱۳۲۵؛ ش ۷۶، ۲۵/ ربیع الاول/ ۱۳۲۵؛ ش ۸۳، ۵/ ربیع الثانی/ ۱۳۲۵؛ ش ۸۵، ۸/ ربیع الثانی/ ۱۳۲۵؛ ش ۸۶، ۱۱/ ربیع الثانی/ ۱۳۲۵؛ ش ۸۷، ۱۲/ ربیع الثانی/ ۱۳۲۵؛ ش ۸۹، ۱۷/ ربیع الثانی/ ۱۳۲۵؛ ش ۹۱، ۲۰/ ربیع الثانی/ ۱۳۲۵؛ ش ۹۲، ۲۲/ ربیع الثانی/ ۱۳۲۵؛ ش ۹۴، ۲۵/ ربیع الثانی/ ۱۳۲۵؛ ش ۹۵، ۲۶/ ربیع الثانی/ ۱۳۲۵؛ ش ۹۶، ۲۸/ ربیع الثانی/ ۱۳۲۵؛ ش ۱۰۰، ۴/ جمادی الاول/ ۱۳۲۵؛ ش ۱۰۱، ۷/ جمادی الاول/ ۱۳۲۵؛ ش ۱۰۲، ۸/ جمادی الاول/ ۱۳۲۵؛ ش ۱۰۸، ۲۶/ جمادی الاول/ ۱۳۲۵.

روزنامه آذربایجان: س ۱، ش ۳، ۲۲/ محرم/ ۱۳۲۵؛ ش ۷، ۲۲/ صفر/ ۱۳۲۵؛ ش ۱۱، ۲۲/ ربیع الاول/ ۱۳۲۵؛ ش ۱۲، غره/ ربیع الاخر/ ۱۳۲۵؛ ش ۱۴، ۲۴/ ربیع الاخر/ ۱۳۲۵.

روزنامه ملانصرالدین س ۱، ش ۳، ۹/ ربیع الاول/ ۱۳۲۴؛ ش ۱۲، ۱۴/ ربیع الاول/ ۱۳۲۴؛ ش ۲۴، ۹/ شعبان/ ۱۳۲۴.

روزنامه ملی: س ۱، ش ۱، غره/ رمضان/ ۱۳۲۴؛ ش ۶، ۶/ شوال/ ۱۳۲۴؛ ش ۷، ۷/ شوال/ ۱۳۲۴؛ ش ۱۲، ۱۲/ شوال/ ۱۳۲۴؛ ش ۱۹، ۲۴/ شوال/ ۱۳۲۴؛ ش ۲۱، ۶/ ذی‌عقده/ ۱۳۲۴؛ ش ۲۲، ۷/ ذی‌عقده/ ۱۳۲۴؛ ش ۲۵، ۱۷/ ذی‌عقده/ ۱۳۲۴؛ ش ۲۶، ۲۰/ ذی‌عقده/ ۱۳۲۴؛ ش ۲۷، ۲۲/ ذی‌عقده/ ۱۳۲۴؛ ش ۲۸، ۲۵/ ذی‌عقده/ ۱۳۲۴؛ ش ۳۰، ۲۹/ ذی‌عقده/ ۱۳۲۴؛ ش ۳۱، ۲/ ذی‌عقده الحرام/ ۱۳۲۴؛ ش ۳۲، ۴/ ذی‌عقده الحرام؛ ش ۳۴، ۹/ ذی‌عقده الحرام؛ ش ۳۵، ۱۱/ ذی‌عقده الحرام/ ۱۳۲۴.

۲۲۰ تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۱۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

- شاکری، خسرو (۱۳۸۴). پیشینه های اقتصادی - اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی. تهران: اختران.
- طالبوف تبریزی، عبدالرحیم (۱۳۹۶). آزادی و سیاست. تهران: امید فردا.
- طاهرزاده بهزاد، کریم (۱۳۶۳). قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران. تهران: اقبال.
- طباطبائی، جواد (۱۳۹۹). ملت، دولت و حکومت قانون جستار در بیان نص و سنت. تهران: مینوی خرد.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲). تاریخ اقتصادی ایران. (عصر قاجار ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ه.ق) ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.
- فشاهی، محمدرضا (۱۳۶۰). تکوین سرمایه داری در ایران (۱۷۹۶-۱۹۰۵). تهران: گوتنبرگ.
- قدیمی قیداری، عباس (۱۳۹۹). «نظام نامه انتخابات و انتخابات نخستین دوره مجلس شورای ملی در آذربایجان (۱۲۸۵ ش / ۱۳۲۴ ق)». فصل نامه علمی پژوهشی جامعه شناسی تاریخی، دوره ۱۲، ش ۱.
- کاتوزیان، محمدعلی (همایون) (۱۳۷۲). اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: مرکز.
- کسروی، احمد (۱۳۱۲). تاریخ مشروطه ایران. تهران: امیرکبیر.
- گولد، جولیس، ویلیام ل. گولب (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی. گروه مترجمان. تهران: مازیار.
- محمدقلی زاده، جلیل (۱۳۳۵). قربانعلی بک و نه داستان دیگر. ترجمه محمد کشاورز. تهران: نگاه.
- نادر میرزا (۱۳۶۰). تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز. به اهتمام محمد مشیری. تهران: اقبال.
- ناظم الاسلام کرمانی، محمد (۱۳۷۶). تاریخ بیداری ایرانیان. ج ۱. به اهتمام علی اکبر سیرجانی. تهران: پیکان.
- ویجویه ای، محمد باقر (۱۳۸۶). تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز. به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: امیرکبیر.
- وینسنت، اندرو (۱۳۷۶). نظریه های دولت. ترجمه حسین بشیریه. تهران: نی.
- هاول، واتسلاف (۱۳۹۸). قدرت بی قدرتان. ترجمه احسان کیانی خواه. تهران: فرهنگ نشر نو.
- هدایت مخبرالسلطنه، مهدی قلی خان (۱۳۶۳). طلوع مشروطیت. تهران: جام.
- یزدانی، سهراب (۱۳۸۸). مجاهدان مشروطه. تهران: نی.